



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۳ جون ۲۰۲۰



میر عنایت الله سادات

## افغانستان به بحران شدید اقتصادی روبرو است



مؤسسات تحقیقات علمی جهان با ارائه ارقام و شاخص ها، هوشدار می دهند که :  
بالاثر وسعت شیوع مرض کرونا، جهان دچار بحران کم سابق شده است. این منابع، پائین افتادن سطح محصول ناخالص اجتماعی و افزایش رقم بیکاران را در سال جاری، تشویش آور میدانند. آنها از محاسبات خویش این نتیجه را میگیرند که کشورهای زیادی، رشد منفی اقتصادی را تجربه خواهند کرد.  
بانک جهانی با ارزیابی کشورهای متضرر شونده جنوب شرق آسیا طی سال ۲۰۲۰، افغانستان را در مقام اول فهرست ارائه کرده خود، جا داده است. اینکه کشور ما با سرازیر شدن آن همه پول ها در دو دهه اخیر، همیشه مقام بحران زده ترین را احراز میکند، دلایل مشخصی دارد که افغان های آگاه و وطن دوست آنرا می دانند. اما یادآوری مجدد آن در اوضاع و احوال کنونی، از نظر این قلم ضروری پنداشته می شود. تا توجه به آن معطوف گردد. روی همین ملحوظ، تعدادی ازین عوامل، اینک معرفی شده و به مباحثه گرفته می شود:  
۱- بالاثر جنگ های تنظیمی، بعد از اپریل ۱۹۹۲، تأسیسات بزرگ تولیدی ویران شده و ده ها هزار انسان محلات کار شان را از دست دادند.  
۲- در دوره طالبان هم این محلات مطابق امیال تجاوزگران پاکستانی به حالت ویرانه ها، نگهداری شدند.  
۳- پس از سقوط طالبان و جابجا شدن نیروهای دول خارجی در سال ۲۰۰۱، "سیستم اقتصاد مختلط" که همیشه جایگاه خود را در قانون های اساسی گذشته افغانستان داشت، منسوخ شناخته شد. در عوض آن "سیستم اقتصاد بازار" بدون در نظر داشت ضرورت های عینی جامعه، از خارج کاپی شده و در ماده دهم قانون اساسی جدید جابجا گردید.  
در افغانستان، طی سال های متمادی یک "سیستم اقتصادی مختلط" مبتنی بر هر دو سیستم "آزاد" و "مرکزی" مرعی الاجراء بود. مطابق این سیستم، هر دو سکتور خصوصی و دولتی، بر مبنای نیازمندی های واقعی جامعه مجاز بوده و عند الضرورت در تحت رهنمائی دولت، در کنار هم قرار داشتند. قانونی ساختن تنها "سیستم اقتصاد بازار" سبب شد، تا کمک های آمده از خارج، بدون مجوز دولت افغانستان به حسابات اشخاص مورد نظر، زیر نام "سازمان های غیر حکومتی" (N.G.O) انتقال بیابد. این طرز العمل زیر شعار "ملت سازی" (Nation Building) دنبال گردید.

گفته می شود که هدف شعار مذکور این بود تا یک طبقه نیرومند سرمایه دار به میان آمده و با مسلط شدن این طبقه بر سرنوشت کشور، اقتصاد افغانستان در مدار سیستم جهانی سرمایه داری قرار بگیرد. اما این تخیل نه تنها جامعه عمل نپوشید، بلکه در عوض زمینه ساز آن شد، تا گروه های پر قدرت مافیایی در همکاری با شرکای بین المللی شان، ظهور کنند. گروه های یاد شده، شیرازه اقتصاد وطن جنگ زده ما را بدست گرفتند. آنها زیر نام "اقتصاد آزاد"، به خود حق میدهند که در همه امور مداخله کرده و هر نوع استفاده ناجائز شانرا بر پایه ای اصول "اقتصاد بازار" توجیه نمایند. در حالیکه "سیستم اقتصاد بازار" بانیست بر پایه "رقابت آزاد" استوار بوده و به خاطر تحقق آن، باید "قانون منع انحصار" تنفیذ و در عمل پیاده شود. اما در افغانستان به این مأمول توجه نشد. سرنوشت اکثریت پروژه ها، بدون طی مراحل داوطلبی و رقابت آزاد به شرکت های وابسته به شبکه های مافیایی سپرده شد. سوابق کاری، اعتبار مالی و حدود مسئولیت شرکت ها، در قرارداد ها مسجل نمی شد. سطح بهره برداری پروژه ها، مؤلدیت و کیفیت کاری آنها، مطمح نظر اولیای امور نبود. از همین جهت، متصل با اختتام کار ساختمانی این پروژه ها، ویرانی آنها نیز آغاز میگردد. مثال گویای این معضل، تخریب شدن سریع سرک ها و شاهراه های اسفلت شده ای افغانستان است.

۴ - زورمندان در پرتو شعار خصوصی سازی اقتصاد، تصدی های متمر دولتی را با پرداخت قیمت های ناچیز، از ملکیت دولت بیرون آورده و در کنترل خود درآوردند. این ملکیت ها، اکثراً به دور از اهداف تولیدی شان در استقامت های غیر مؤلد، مورد استفاده قرار گرفته و نقش آنها از تولید ملی کنار زده شد. طور مثال، فابریکه ای نساجی بگرامی ولایت کابل که چهل فیصد منسوجات سندی طرف ضرورت داخلی را آماده میکرد، ویران شده و به توقف گاه یک شرکت باربری مبدل شده است. همینطور فابریکه خانه سازی که ساخت مکروریون های شهر کابل، نتیجه کاری آن می باشد، جهت خصوصی سازی به بازار عرضه شد. اما تا هنوز غیر فعال باقی مانده است. همین روش در برابر فابریکه سمنت غوری اتخاذ شد، تا سالانه صدها هزار تن سمنت از پاکستان وارد گردد.

۵ - یک و نیم ملیون جریب زمین دولتی و خصوصی از جانب زورمندان غصب شد. تعداد زیادی از مالکین کوچک و بی دفاع، مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند و برای بقای زندگی فامیل های شان به شهرها رو آوردند.

۶ - معادن احجار قیمتی (زمرد، لاجورد، لعل، طلا و سنگ مرمر و امثال آن) در تحت کنترل زورمندان تنظیمی و یا طالبان قرار دارد. آنها این اقلام را خلاف قانون و برضد منافع ملی مردم ما استخراج نموده و به خارج قاچاق می نمایند. گرچه ظاهراً این دو گروه با هم مخالف اند، اما در بخش انتقال این مواد به خارج، میان هر دوی شان همکاری مافیایی وجود دارد.

۷ - زرع و ترویج مواد مخدر، عرصه دیگری است که شبکه های مافیای داخلی و بین المللی، به قیمت تباهی اقتصاد ملی ما، از آن منفعت سرشار بدست می آورند. بخش بزرگی از مخالفت های مسلحانه توسط همین پول ها تمویل می شود. تا در فضای نا امنی، مواد مخدر به سهولت زرع و انتقال بیابد.

۸ - همین طور نه تنها صدها هزار جریب زمین از پروسه تولید مواد طرف ضرورت جامعه ما، منتفی گردیده و در گروه مافیای مواد مخدر قرار گرفته است، بلکه سه ملیون انسان واجد شرایط کار، از خدمت بوطن و جریان تولید ملی نیز حذف شده اند. آنها بار دوش جامعه گردیده و به یک معضل بزرگ اجتماعی، امنیتی و اقتصادی مبدل شده اند.

۹ - چنین رقم معتادین، هیچگاه در گذشته افغانستان سابقه نداشت. بعضی عناصر منفی باف این رقم را با شمار از سیاح های خارجی که عمدتاً گروه هیپی ها بودند و با استفاده از شرایط آسان رفت و برگشت در دهه مشروطیت به

افغانستان می آمدند، مقایسه می کنند. در حالیکه آنها، از مواد نشه آور عنعنوی استفاده کرده و رفتار آنها مورد توجه و علاقه مردم ما قرار نمیگرفت. به عبارت دیگر هیچگاه در گوشه و کنار جامعه ما، چنین معتادین بچشم نمی خوردند. ۱۰- ملکیت و رهبری عرصه هایی که باید در چوکات سکتور دولت باقی می ماندند، رعایت نشد. چنین عرصه ها، عمدتاً شامل سه کتگوری اند:

الف - یکی از آن، همان عرصه هایی اند که مفاد هنگفت برای دولت به بار می آورند. مانند معادن و انحصار توريد اقلامی که تقاضای عامه برای آن وجود دارد، از قبیل نفت و دخانیات.

ب - دومی، عرصه هایی اند که تقاضای عامه مردم برای آن وجود داشته و باید به پائین ترین قیمت و یا رایگان به ضرورت مندان عرضه گردد. تمام خدمات لابراتواری، شفاخانه ها، استفاده رایگان از شاهراه ها، تعلیمات در مکاتب و تحصیلات عالی، شامل این بخش می باشند.

ج - سوم توزیع بلا استثنای کوپون به تمام منسوبین دولت (شامل مأمورین، مستخدمین و کارگران). تا با پیش کش کردن مواد اولیه به قیمت ثابت و نازل برای ایشان، شمار متقاضیان در بازار کاهش یافته و قیم مواد مورد ضرورت اولیه استقرار داشته باشد. همین طور منسوبین دولت از ثبات قیم، بهره مند گردند.

با قانونی ساختن "سیستم اقتصاد بازار" مقررات فوق الذکر به حاشیه گذاشته شده و مردم بی بضاعت، همه روزه از نوسانات قیم رنج فراوان می برند.

همین طور تداوی و معالجه این اکثریت ناتوان به دوش خود شان گذاشته شده و دولت ناتوانایی خود را درین عرصه، همه روزه اذعان میدارد. به عبارت دیگر، دولت با امکانات محدود خود، قادر نیست تا مردم ناتوان خود را در برابر شیوع مرض کرونا، وقایه نماید.

۱۱- در بخش زیر بنای اقتصادی نه تنها اعمار پروژه های جدید روی دست گرفته نشد، حتی شمار زیاد پروژه های سابق نیز، ترمیم و فعال نشدند. کشور کوهستانی افغانستان، امکانات وسیع اعمار بند های آبگردان و برق آبی را دارد. کسانی که در گذشته ها، در بخش های مالی و پلانگذاری دولت شامل کار بوده اند، به نیکویی می دانند که شمار زیادی پروژه ها، درین عرصه از سالها قبل ترتیب و تنظیم شده بودند. اما به خاطر نبود منابع مالی، فشار دو کشور همسایه (ایران و پاکستان) و نبود امنیت، کار اعمار آنها آغاز نمی گردید.

درین دو دهه که امکان دریافت قرضه از منابع خارجی وجود داشت، هر دو کشور به وسیله عمال نفوذی شان از اعمار بند های آبگردان در مناطق غربی و شرقی افغانستان پیوسته جلوگیری کرده اند. تمویل کنندگان خارجی که همان "سازمان های غیر حکومتی" بود، نیز درین مورد کدام علاقه ای نشان نمی دادند. نتیجه چنین شد که نه تنها پروژه های جدید اعمار شده نتوانست، بلکه تأسیسات قبلی نیز به ظرفیت های قبلی شان فعال نگردند. این حالت، به خودی خود کشور را از برق وارداتی وابسته ساخت.

وقتی بندهای آبگردان اعمار نشوند، بخش بزرگ اراضی، همچنان لامزروع می ماند. همین طور منابع انرژی به خاطر به چرخ آوردن جریان تولید کارخانه ها، به قیمت مساعد نیز وجود نمی داشته باشد. علم اقتصاد به ما می آموزاند که احداث چنین پروژه ها، "تأثیرات ظرفیتی" در محیط ماحول خود دارد. در جریان اعمار این بناها نه تنها برای نیرو های کاری، محل اشتغال به وجود می آید، بلکه به خاطر رهائش خانواده های شان، اعمار شهرک ها نیز در مجاورت به

پروژه ها شکل می گیرند. تأثیر مثبت این تحولات انکشافی، از ماحول این پروژه ها نیز فراتر رفته و با نقل مکان قوای کار به آنجا، از تجمع نفوس در شهرهای بزرگ جلوگیری بعمل می آید.

۱۲- به میان آوردن یک اقتصاد ملی متکی به خود، ضرورت عینی جامعه ما می باشد. درین مورد شاخص های روشن و انکار ناپذیر وجود دارد:

اول اینکه افغانستان یک کشور محاط به خشکه بوده و راه اتصال آن به مارکیت جهانی، دستخوش قیودات زیاد است. نزدیک ترین راه ترانزیت از مسیر پاکستان میگذرد. این راه همیشه با تحدید و انسداد مواجه می باشد. صادرات عمده افغان ها، محصولات زراعتی است. این اقلام باید در یک مدت کوتاه انتقال یافته و به فروش برسد. در غیر آن فاسد می شوند.

با مسدود شدن راه ترانزیت، همیشه اعتراض صادر کنندگان علیه دولت بلند می شود. چنین انتقاد ها، چاره و راه قانونی را نمی گشاید. دولت باید برطبق مقررات، مکلف ساخته شود که برای نگهداری چنین محصولات، محلات نگهداری و سردخانه ها را اعمار کند. همین طور باید فابریکات شربت سازی به میان آیند، تا آب میوه از آن طریق پروسس شده و به قیمت های بهتر به خارج صادر شوند. در آنصورت خطر فاسد شدن محصولات رفع می گردد.

همین طور باید دولت در بخش تولید، ترویج و صدور نباتات کمیاب، حمایت های ضروری را به پیشه وران عرضه نماید. توجه دولت در بخش زرع و صدور نبات زعفران قابل تذکر است. ولی این اقدامات در رابطه با نباتات مشابه آن نیز باید اتخاذ گردد.

۱۳- طوریکه در بالا به آن اشاره شده، سرمایه های سرازیر شده از خارج، بدون اثرات مثبت بر ساختار اقتصادی افغانستان در اختیار شبکه های مافیائی قرار گرفت. همین طور درآمد های نامشروع از بابت غضب زمین، استخراج غیر قانونی معادن و تجارت مواد مخدر، منهای بخش کوچک آن که در ساختمان های بلند منزل سرمایه گذاری شد، فی المجموع همه آن به خارج انتقال یافته است. این پول هایی نیست که مالکین آن در نتیجه ای کار و زحمت شان به دست آورده و قانونی باشد. بناءً به اصطلاح وطنی ما با ترس از "روز مبادا" در حراس بوده و تلاش می نمایند تا آنرا به کشور های مورد نظر شان انتقال بدهند. البته باید متذکر شد که مالکین پول های قانونی نیز به خاطر مشکوک بودن آینده اوضاع امنیتی، دارائی های شان را از کشور خارج می نمایند. منجمت ناقص دولت، به خودی خود سبب ظهور فضای عدم اعتماد شده و موجب فرار سرمایه ها میگردد. چنین سرمایه ها در علم اقتصاد به نام "سرمایه های گریزپناه" نامگذاری شده اند. با تشخیص و نقش چنین سرمایه ها، امکان توقف و مدغم کردن آن در اقتصاد ملی به چشم نمی خورد. لذا یگانه راهی را که باید دولت در جستجوی آن باشد، همانا تقویه سرمایه گذاری ها در بخش سکتور دولتی می باشد. تا فضای اعتماد دوباره ایجاد شده و سرمایه های شخصی به وطن برگردند.

پایان

\*\*\*\*\*

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "ارشیف" شان رهنمائی شوند!

افغانستان به بحران شدید اقتصادی روبرو است  
[enayat\\_sadat\\_afg\\_bohran\\_eqtesadi.pdf](#)